

به نام خدا

هویت ملی، زبان فارسی

و روشنفکران ایرانی

(زبان فارسی در پروژه فکری روشنفکران عصر پهلوی دوم)

مؤلف:

بهنام براتی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۳)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: براتی، بهنام، ۱۳۷۳  
عنوان و نام پدیدآور: آشنایی هویت ملی، زبان فارسی و روشنفکران ایرانی (زبان فارسی در پروژه فکری روشنفکران عصر پهلوی دوم) / مولف بهنام براتی.  
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۳.  
مشخصات ظاهری: ۲۱۳ ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۵۵۰-۴  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
موضوع: هویت ملی - زبان فارسی - روشنفکران ایرانی - عصر پهلوی دوم  
رده بندی کنگره: PN۲۱۸۴  
رده بندی دیویی: ۸۰۹/۴۲۴  
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۹۳۹۷۴  
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: هویت ملی، زبان فارسی و روشنفکران ایرانی  
(زبان فارسی در پروژه فکری روشنفکران عصر پهلوی دوم)

مولف: بهنام براتی

ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳

چاپ: زیر جلد

قیمت: ۲۱۳۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۵۵۰-۴

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



انتشارات ارسطو



چاپ و نشر ایران  
Chaponashr.ir

## فهرست

۹.....	مقدمه
۱۳.....	فصل اول: کلیات
۱۳.....	طرح مسئله
۱۷.....	تعریف مفاهیم
	فصل دوم: دیبایات نظری (رویکردهای نظری در خصوص جایگاه زبان ملی / مادری در
۲۳.....	هویت ملی (جوامع)
۲۳.....	مقدمه
۲۴.....	بررسی و تحلیل جایگاه زبان در مطالعات فرهنگی کشورها
۲۴.....	زبان
۲۵.....	کاربردهای زبان
۲۶.....	کاربردهای فرهنگی زبان
۳۰.....	بررسی و تحلیل جایگاه زبان در مطالعات هویتی کشورها
۳۱.....	تعریف هویت
۳۲.....	اشکال هویت
۳۲.....	هویت زبانی
۳۲.....	هویت ملی
۳۴.....	عناصر و ابعاد هویت ملی
۳۴.....	بُعد زبانی هویت ملی:
۳۵.....	ارتباط و تأثیر زبان بر هویت ملی
۳۷.....	بررسی رویکردهای نظری در خصوص علل تغییرات زبانی در کشورهای تحت استعمار

۳۷.....	استعمار
۳۸.....	دوره‌های تاریخی استعمار
۳۹.....	سیاست زبانی و آموزشی استعمار در کشورهای مستعمره
۴۰.....	هند
۴۱.....	الجزایر
۴۳.....	امپریالیسم زبان انگلیسی تهدیدی برای زبانهای محلی و ملی
۴۴.....	برخی رویکردهای نظری اندیشمندان پسا استعمار در خصوص استعمار و تغییرات زبانی
۴۵.....	ادوارد سعید
۴۶.....	فرانتس فانون
۴۷.....	هومی بابا
۴۸.....	بررسی علل اهمیت جایگاه زبان فارسی در حفظ هویت ملی در ایران
۴۸.....	تاریخ و سیر تحول زبان فارسی پیشاصفویه
۵۶.....	سیر و تاریخ زبان فارسی از صفویه تا مشروطه
۶۰.....	سیر و تاریخ زبان فارسی از مشروطه تا پهلوی اول
۶۳.....	نتیجه گیری

### فصل سوم: گفتمان تجدد و جایگاه زبان فارسی در گستره هویت ملی در بین

۶۵.....	روشنفکران مشروطه و پهلوی اول
۶۵.....	مقدمه
۶۵.....	میرزا فتحعلی آخوندزاده
۶۹.....	میرزا ملکم خان (ناظم الدوله)
۷۲.....	روشنفکران پهلوی اول

۷۲	سید حسن تقی‌زاده
۷۵	محمدعلی فروغی
۷۹	سید احمد کسروی
۸۲	حسین کاظم‌زاده ایرانشهر
۸۷	<b>فصل چهارم: گفتمان تجددگرایی عصر پهلوی دوم و مسئله زبان فارسی</b>
۸۷	مقدمه
۸۸	تحولات عصر محمدرضا شاه پهلوی و دسته بندی فکری روشنفکران عصر پهلوی دوم
۸۸	سیاستها و تحولات پهلوی دوم و زمینهای ستیز اندیشه روشنفکری با آن
۸۸	کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲
۸۹	سیاست نگاه به غرب
۹۰	نخست، دوره انفعال
۹۰	دوره دوم سیاست موازنه منفی
۹۰	دوره سوم موازنه مثبت
۹۰	دوره چهارم دوره وابستگی
۹۱	انقلاب سفید
۹۳	سیاستهای فرهنگی رژیم و بی توجهی به سنت
۹۵	تقسیمبندی روشنفکران
۹۵	رویکرد غربگرایی
۹۶	رویکرد غربزدگی مطلق
۹۶	رویکرد بازگشت به خویشتن
۹۸	گفتمان تجدد و جایگاه زبان فارسی در گستره هویت ملی در اندیشه سید فخرالدین شادمان

- ۹۸..... منادی گفتمان غرب زدگی
- ۱۰۸..... زبان فارسی و مقابله با تفکر فکلیها و تجدد مآبی
- ۱۱۴..... گفتمان تجدد و جایگاه زبان فارسی در گستره هویت ملی در اندیشه داریوش شایگان
- ۱۱۴..... زندگی و دوره‌های فکری
- ۱۱۶..... شایگان و مدرنیته
- ۱۱۸..... هویت ملی و شایگان
- ۱۲۱..... تفکر
- ۱۲۳..... زبان فارسی
- ۱۲۹..... هنر
- ۱۳۱..... گفتمان تجدد و جایگاه زبان فارسی در گستره هویت ملی در اندیشه داریوش آشوری
- ۱۳۱..... زندگینامه و دوره‌های فکری
- ۱۳۳..... گفتمان تجدد در نگاه آشوری
- ۱۳۵..... جایگاه زبان در اندیشه داریوش آشوری
- ۱۳۸..... هویت ملی و زبان فارسی در نگاه آشوری
- ۱۴۰..... شعرفارسی نماد رسانه فرهنگی ایرانیان
- ۱۴۲..... گفتمان تجدد و جایگاه زبان فارسی در گستره هویت ملی در اندیشه شاهرخ مسکوب
- ۱۴۲..... زندگینامه و دوره‌های فکری
- ۱۴۳..... کتاب مقدمه‌ای بر رستم و اسفندیار
- ۱۴۵..... کتاب سوگ سیاوش
- ۱۴۷..... کتاب در کوی دوست
- ۱۴۸..... نگاه مسکوب به مدرنیته

۱۴۹	..... جایگاه زبان در اندیشه مسکوب
۱۵۱	..... هویت ملی و زبان فارسی در اندیشه مسکوب
	<b>فصل پنجم: گفتمان بومیگرایی و رویکرد روشنفکران عصر پهلوی دوم به احیای</b>
۱۵۷	..... <b>جایگاه زبان فارسی در گستره هویت ملی</b>
۱۵۷	..... مقدمه
۱۵۸	..... بومیگرایی و جایگاه زبان فارسی در گستره هویت ملی در اندیشه فخرالدین شادمان
۱۶۰	..... زبان فارسی و استقلال فکری ایرانیان
۱۶۲	..... زبان فارسی و تسخیر تمدن فرنگی
۱۷۰	..... تربیت بومی با اتکای به زبان فارسی
۱۷۲	..... بومیگرایی و جایگاه زبان فارسی در گستره هویت ملی در اندیشه داریوش شایگان
۱۷۳	..... حفظ هویت فرهنگی
۱۷۹	..... بازگشت به اصل، در جستجوی هویت بومی
۱۸۰	..... بومیگرایی و جایگاه زبان فارسی در گستره هویت ملی در اندیشه داریوش آشوری
۱۸۰	..... نقد شرق شناسی و توجه به سنت
۱۸۵	..... مشکلات زبان فارسی در اندیشه آشوری
۱۹۰	..... بومیگرایی و جایگاه زبان فارسی در گستره هویت ملی در اندیشه شاهرخ مسکوب
۱۹۲	..... اسطوره و حماسه
۱۹۴	..... بازسازی اساطیر
۱۹۶	..... مشکلات زبان فارسی در اندیشه مسکوب
۱۹۹	..... <b>فصل ششم: نتیجه گیری</b>
۲۰۵	..... <b>منابع</b>





## مقدمه

هویت در عصر جهانی شدن و گسترش ارتباطات، سرنوشتی پر از رمز و راز و پرابهام به خود گرفته است. گاه این ابهام به سبک تفکرات پست‌مدرن‌ها، از تکثرمندی هویت‌ها و ناتوانی در گزینش‌ها برمی‌خیزد و گاه این ابهام به زعم متالهان و دین‌شناسان، از تقدس‌ها در خصوص هویت سر برمی‌آورد. گاه هویت به تعبیر داریوش شایگان چهل تکه فرض می‌شود و گاه هویت‌ها، شناسنامه فکری خود را در تعامل با دیگر هویت‌ها به تصویر می‌کشند. با این حال هر چه باشد هویت، هویت است و نماد و بنیان فکر و باورها و هنجارهای جماعت‌های بشری در نظر گرفته می‌شود. در چنین شرایطی، ابزارهای به رخ کشیدن هویت‌ها برای هر ملتی اهمیت بالایی به خود می‌گیرد. چرا که هر ملت و جماعتی به دنبال پاسداشت هویت و فرهنگ خود می‌باشد و برای این پاسداری، بر نمادهای هویتی خود باید تکیه بنماید.

در این بین ایرانیان در طی تاریخ سترگ خود اشکال هویتی مختلفی را در دل خود پرورش داده و آن را بارور ساخته است. این اشکال هویتی از دوران ایران باستان، از قالب نمادهای ملی نظیر پاسداشت عید نوروز سر برآورده است؛ همچنانکه بعد از ورود اسلام به ایران نیز، قالب هویت اسلامی ستایش شد و در نهایت در دوران معاصر و بویژه بعد از مشروطه، ایرانیان ردای هویت مدرن را نیز زینده تن خود دیدند و بدین ترتیب جامعه‌ای سه تکه‌ای از منظر هویتی در ایران معاصر بوجود آمد.

اما در اینجا نمادهای هویتی در نسبت با هر یک از این اشکال هویتی اهمیت می‌یابد و یکی از مهم‌ترین این نمادهای، زبان فارسی با قدمت دیرینه خود می‌شود. در واقع این نماد بدان حد مهم است که ایرانیان از عصر باستان تا به اکنون هیچ گاه آن را کنار نگذاشته‌اند و آن را به سان ناموس فکری و فرهنگی خود قلمداد نموده‌اند. تلاش برای پاسداشت جایگاه هویتی زبان فارسی در شکل سیاسی آن، خود را در قامت حمایت پادشاهان و حاکمان ایرانی نظیر سامانیان از زبان فارسی نشان داد و در ساحت عمومی و اجتماعی با تدوین آثار بزرگ شعرا و ادیبان زبان فارسی نظیر شاهنامه فردوسی، بوستان و گلستان سعدی و دیوان حافظ شیرازی خود را به رخ کشید. این گونه تلاش‌ها باعث شد به تدریج گستره جغرافیایی زبان فارسی گسترده‌تر شده و اماکنی چون مرو و بخارای قدیم تا افغانستان و تاجیکستان کنونی را شامل شود.

از طرف دیگر در دوره معاصر، روشنفکران و اندیشمندان و داستان نویسان ایرانی نیز با اذعان و اشراف بر گرانبها بودن این میراث هویتی، سعی بر آن نمودند که شیوه‌های حمایت و حفاظت آن را آموزش داده و یا گسترش دهند. چنین تلاش‌هایی از عصر مشروطه که تفکر مدرن غربی وارد ایران شده بود، خود را نشان داد و به تدریج در ادوار بعدی در نزد دیگر نخبگان و روشنفکران وطنی چون محمدعلی فروغی استمرار می‌یابد و حتی منجر به ظهور نهادهایی چون فرهنگستان زبان فارسی از عصر پهلوی اول (در سال ۱۳۱۴ ه.ش) به ریاست وی می‌شود.

این تلاش‌ها در عصر پهلوی دوم نیز ادامه یافت و خود را در قالب نشان‌ها و نمادهای دیگری نشان می‌دهد. به طوری که از یکسو داستان نویسان ایرانی نظیر محمدعلی جمالزاده و یا صادق چوبک با چاپ آثار خود به نحوی مخاطبان را با اهمیت زبان فارسی از طریق پردازش‌های داستانی آشنا می‌سازند و از دیگر سو روشنفکرانی نظیر فخرالدین شادمان، در کتاب مهم خود با عنوان «تسخیر تمدن فرهنگی» در صدد واگویی کردن این مساله بر می‌آید که باید برای حفظ فرهنگ و هویت ملی، جایگاه زبان فارسی مورد توجه ویژه قرار بگیرد.

به هر حال آنچه گفته شد نشانگر آن است که پاسداری از زبان و ادب فارسی به سان یک نماد بزرگ هویتی ایرانیان، قدمتی دیرینه داشته و ایرانیان هیچ گاه آن را تابع سازش‌ها و منفعت-طلبی‌ها و استحاله‌های هویتی نکرده و حتی در هنگامه شکست (مثل شکست ایرانیان از اعراب) نیز زبان پارسی خود را پاس داشته و زبان غیر بومی را گزینش نکرده‌اند.

با توجه به اهمیت زبان فارسی و نسبت آن با تکوین و تقویت هویت ملی بویژه در آرا و اندیشه‌های روشنفکران (که صاحب اندیشه‌ها و تاملات فکری هر جامعه‌ای هستند) این پژوهش با قلم وزین جناب آقای بهنام براتی (فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه شیراز) در صدد برآمده که مبنای دفاع هویتی روشنفکران ایرانی عصر پهلوی دوم از زبان فاخر فارسی را بر مخاطبان خود آشنا بنماید. در طول نگارش این پژوهش که مقارن با هنگامه سخت بیماری کرونا بود، ایشان تلاش تحسین‌برانگیزی برای تدوین هرچه بهتر این پژوهش از خود نشان داد. به طوری که منابع مختلف مرتبط با موضوع توسط ایشان خریداری، تهیه و مطالعه شد؛ غیر از دیدگاه‌های اساتید راهنما و مشاور پایان‌نامه، دیدگاه‌های دیگر اعضای هیات علمی دانشکده را جویا می‌شد و حتی با محققانی که در خارج دانشگاه در این حوزه ورود نموده بودند، گفتگو می‌کرد و ماحصل همه این موارد را با علاقه‌مندی بر روی کاغذ به یادگاری می‌نگاشت.

در نهایت آنچه از این پژوهش پیش رو ماست، آن چیزی که نتیجه چندین ماه تلاش ایشان برای ادای دین خود به زبان فارسی به عنوان نمادی از هویت بزرگ ایرانیان است. امید دارم که این تلاش، دیده شود و کارهای بعدی برای توجه موکد برای تقویت زبان فارسی به عنوان یکی از مهم‌ترین نمادهای هویتی ایرانیان (خصوصاً در رشته‌های غیر از زبان و ادبیات فارسی) نیز مورد اهتمام جدی قرار بگیرد. هر چقدر ایرانیان در پژوهش‌های خود، در زبان آموزی و در زبان گستری خود (حتی برای کودکان) و یا در گفتگوهای روزمره بیناذهنی خود، سعی در تقویت زبان فارسی و جایگاه هویتی آن بنمایند، سهم خود از مبارزات و تلاش‌های نیاکان خود برای حفظ استقلال و اقتدار هویتی ایرانیان را پاسداری نموده و برای آیندگان الگوسازی بیشتری خواهند نمود.

### تقدیم به

محضر ارزشمند پدر و مادر عزیزم به خاطر همه تلاشهای محبت آمیزی که در دوران مختلف زندگی ام انجام داده‌اند و بامهربانی چگونه زیستن را به من آموخته‌اند.

### سپاسگزاری

سپاسگزار تمام کسانی هستم که به هرگونه مرا یاری کردند

تشکر و قدردانی می‌نمایم از استاد بزرگوار آقای دکتر هادی صادقی اول که با نهایت دقت، صبر و شکیبایی مرا در تهیه این پژوهش یاری دادند. سلامتی، سربلندی و موفقیت روزافزونشان را از خداوند منان خواهانم.

از آقای دکتر محمدعلی توانا که زحمت مشاوره و آقای دکتر ابراهیم عباسی که داوری این تحقیق را تقبل نمودند صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایم.



## فصل اول:

### کلیات

#### طرح مسئله

کشور ایران همیشه در روند تحولات خویش، از زمان قدیم تا به امروز پهنه تیره‌ها و نژادهای گوناگون بوده است. علی‌رغم اینکه همه این نژادها و تبارها از زبان و فرهنگ‌های مختلفی برخوردار بودند اما به آسانی در کنار یکدیگر زیست می‌کردند. بر این اساس عاملیت اتصال این اقوام و نژادها زبان و فرهنگ فراگیر ایران بوده است. اکنون نیز به تناسب زمان‌های گذشته زبان فارسی همان نقش اتصال اقوام و تبارهای گوناگون ایران زمین را بر عهده دارد. به واقع زبان فارسی در ایران کارکرد ایجاد همبستگی و هویت بخشی ایرانیان را، به ویژه زمانی که در معرض تهاجم و استیلای اقوام و فرهنگ‌های گوناگون قرار می‌گرفت، ایفا نموده و به عنوان نیروی انسجام دهنده، نقشی برجسته در بسترسازی، تکوین و بالندگی فرهنگی و تحقق هویت ملی داشته و دارد. بدین ترتیب زبان فارسی یکی از نمادهای هویت جمعی ایران بوده و متناسب با همین مساله تاثیرات بسزایی در معادلات تاریخی و سیاسی ایران بر جای گذاشته است.

این تاثیرات از صدها سال قبل و بویژه از زمان ورود اسلام به ایران خود را نشان داده است؛ به طوری که ایرانیان جزو معدود ملت‌هایی بوده‌اند که علی‌رغم پذیرش آیین دینی دیگر یعنی اسلام و علی‌رغم تاکید این آیین بر فراگیری زبان عربی، زبان فارسی خود را حفظ کرده و پاس داشته‌اند. بعدها و در زمانی که شعرای برجسته ایرانی نظیر فردوسی، سعدی و حافظ نیز با نظم و نثر خود زبان فارسی را احیا نمودند، مورد استقبال ایرانیان قرار گرفتند و نامی نیکو از خود بر جای گذاشتند.

اما با این حال در دهه‌های اخیر هویت ملی و اجتماعی ایرانیان از مسائل دیگری نیز تاثیر پذیرفته

است که بویژه ناشی از ورود تفکر و تمدن غربی به جامعه ایرانی است. به واقع همچنانکه پس از پیدایش رنسانس در غرب و گسترش عقیده انسان محوری در اروپا، مدرنیته و مظاهر آن به مثابه بستر هویت جدید در غرب، با ایجاد نگرش جدیدی نسبت به انسان و جهان و ترسیم رابطه‌ای تازه بین این دو، سودای ترسیم هویت مدرنی را به جای هویت قدیم در سر داشت و از زمان نهضت مشروطه که نخستین امواج مدرنیته وارد جامعه ایرانی شد، نسبت هویت ایرانی و اسلامی نسبت به آن دچار چالش‌ها و تعارضاتی گردید و منجر به طرح مباحث متنوعی بویژه از جانب روشنفکران از یکسو و علمای دینی از دیگر سو گردید. از آن زمان تا الان همواره سه منبع در تعیین رویکردهای هویتی در سطح ملی در میان روشنفکران و دستگاه حکومتی نقشی تعیین‌کننده داشته‌اند:

۱- ایران (هویت سرزمینی و تاریخی) ۲- اسلام (هویت معنوی، اعتقادی و جهان‌بینی وسیع) ۳- مدرنیته و لیبرالیسم غرب (منبعی فلسفی با کاربردهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و حتی فرهنگی). در وضعیتی که هرکدام از منابع مذکور محور تعریف هویت ملی قرار می‌گیرند، نوع تلقی‌ها از مولفه‌های هویت ملی و سیاست‌های هویتی متفاوت بوده است. اگر بخواهیم نسبت این هویت‌ها را با زبان فارسی به بحث بگذاریم می‌توان گفت که متفکران ایرانی از زمان مشروطه فکر می‌کردند که زبان و ادب فارسی در طرح اندیشه‌های جدید نارساست؛ همچنانکه آخوندزاده معتقد بود «دور گلستان و زینت المجالس گذشته است... امروز تصنیفی که متضمن فواید ملت و مرغوب طبایع خوانندگان است، فن دراما و رمان است» این نگاه حتی تا بدانجا پیش رفت که تغییر در خط فارسی نیز مورد تاکید روشنفکران غرب‌گرای مشروطه قرار گرفت و همو در این خصوص بیان می‌نمود که «الفبای ما انواع قصور را دارد و لازم است جمیع الفباهای دنیا را حاضر بسازید و الفبای تازه‌ای درست بکنید و ملت ما را از ظلمانیت به نورانیت برسانید». بدین ترتیب در ابتدای مطرح شدن هویت ملی، از آنجایی که حاملان و مبتکران ایده هویت ملی در ایران افراد تحصیل کرده غرب بودند، تحت تاثیر تجدد غرب به ارائه الگوی هویتی‌ای می‌پرداختند که تجدد و غرب محور اصلی آن بود و الگوی آنها در اکثر پژوهش‌ها به غرب‌گرایی یا تجددگرایی شهرت یافت. لذا در شاخص‌ها و مولفه‌های هویت ملی، از نظر اینان خط و زبان

فارسی به عنوان دو مولفه اصلی هویت ایران دستخوش تغییراتی مانند تغییر الفبا و پالایش کامل زبان فارسی باید می‌شد و سایر مولفه‌های بومی ایرانی که در تضاد با تجدد بود باید کنار می‌رفتند تا بدون هیچ گونه چون و چرا، جایگزین آنها از غرب اخذ گردد.

بعد از به قدرت رسیدن رضاخان تلاش برای اصلاح زبان فارسی و عمومیت دادن آن گسترده‌تر و منسجم‌تر شد؛ چرا که یک زبان واحد موجب انسجام اجتماعی و یکپارچگی بیشتری در میان مردم می‌شد. در واقع رضاشاه یکی از پایه‌های وحدت ملی را در وحدت زبان می‌دانست و دو هدف را از تاسیس فرهنگستان دنبال می‌کرد؛ یکی اینکه «زبان اصلاح شده فارسی خالق ادب و هنر ایران نو باشد» و دیگر اینکه زبان متناسب با تحولات اجتماعی و پیشرفت‌های فرهنگی، به تکامل و نوسازی گراید. در همین دوره محمد علی فروغی یکی از مهمترین افراد در این زمینه و بنیانگذار فرهنگستان زبان و ادب فارسی در مورد تشکیل فرهنگستان می‌گوید «زبان آینه فرهنگ قوم است و فرهنگ مایه ارجمندی و یکی از

عامل‌های نیرومند ملت است و من چون دوستدار ایرانم و به ملیت ایرانی دلبستگی دارم و ملیت ایرانی را مبتنی بر فرهنگ ایرانی می‌دانم و نمایش غیر از این در دوران پهلوی اول که حامی جریان‌ات ناسیونالیستی بود، مجدداً رگه‌هایی از احیای سمبل‌های ملی گرابانه نظیر زبان فارسی به چشم می‌خورد. یعنی در نزد نویسندگان و روشنفکرانی نظیر «کاظم زاده ایرانشهر» و یا نشریات «کاه» و «آینده» در عصر پهلوی اول به صراحت بر بحث زبان فارسی و اهمیت آن در نوسازی ایران و هویت ایرانی تاکید می‌شد و از آنچه از آثار مکتوب این نشریات بدست می‌آمد آن بود که برای ایجاد وحدت ملی در ایران زبان فارسی باید همگانی شود و برای این منظور حتی باید به پالایش زبان فارسی از لغات بیگانه به عنوان یکی از راهکارهای مطرح اقدام ورزید؛ همچنانکه که ملی‌گرایی رضاشاه نیز مبتنی بر آن بود تا زبان فارسی و حماسه‌های ملی ایرانیان را در مقابل اندیشه‌های اسلامی قرار دهد.

این جریان هر چند که در دهه ۱۳۲۰ و در نتیجه سقوط رضاشاه و مشکلات تثبیت قدرت محمدرضا با اشکالاتی روبرو شد و روشنفکران نیز چندان این روند را دنبال نکردند، اما از اواخر دهه ۱۳۳۰ و در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ مجدداً مورد توجه قرار گرفت و بویژه در آثار متفکرانی

چون سید فخرالدین شادمان، جلال آل احمد، علی شریعتی، سید حسین نصر، احسان نراقی، داریوش شایگان خود را نشان داد. بر این اساس سید فخرالدین شادمان در سال ۱۳۲۶ در مهمترین اثر خود تحت عنوان «تسخیر تمدن فرنگی» با اندیشیدن در باره چالشها که جامعه ایران با آن روبه رو بود استدلال می‌کند ایران برای اینکه تحت تسلط تمدن غرب در نیاید و اسیری ناتوان نشود، باید بکوشد که از روی میل و رضایت هوشمندانه آن تمدن را از آن خود سازد. به اعتقاد شادمان تنها وسیله برای این کار زبان فارسی است که وجه مشترک همه ایرانیان و تجلی خرد قدیمی نیاکان آنهاست.

یکی دیگر از افرادی که در بحث غرب و تجدد و مدرنیته و تاثیر و ورود آن بر جامعه ایران نقش آفرینی کرد، جلال آل احمد بود که در نوشته و اثرات خود تحت عنوان غرب زدگی و سایر آثار خود دیدگاه‌های خود را عرضه نمود. آل احمد تاثیر تفکر غرب را بر جامعه با عنوان یک بیماری فاسد کننده به عنوان عارضه‌ای از بیرون و محیطی آماده برای آن بیماری می‌دانست و معتقد بود که این بیماری می‌تواند اصالت فرهنگی، استقلال سیاسی و سلامت اقتصادی ایران را نابود کند و یکی از راه‌های گریز از این آفت بازاندیشی در زبان فارسی است که به مدد تسلط همسر خود، سیمین دانشور بر ادبیات فارسی این نگرش جلال آل احمد تقویت هم گردید.

غیر از این اگر فضای سیاسی ایران در دهه ۱۳۴۰ تحت تاثیر آرای افرادی چون آل احمد بود، در دهه ۱۳۵۰ این فضای سیاسی تحت تاثیر علی شریعتی در می‌آید. در اینجا گفتمان «بازگشت به خویشتن» شریعتی الگوی عاریتی از نظرات اندیشمندانی چون قانون، امه سه زر و کاتب یاسین بود و البته باید آن را ادامه دهنده طریق گفتمان آل احمد یعنی «غرب‌زدگی» دانست. شریعتی در مورد روح گفتمان بازگشت به خویشتن معتقد است «هنگامی که ما از بازگشت به ریشه‌های خود سخن می‌گوییم، در واقع از بازگشت به ریشه‌های فرهنگی خود حرف می‌زنیم». شریعتی در خوانش من با مفهوم "شخصیت فرهنگی" از ملت می‌خواهد بگوید این ملیت بر ساخت نیست؛ بلکه خلق تاریخی است که در صیوررت تاریخ ایران ازلی شده و زبانش فارسی بوده، و ایران یک پیوست فرهنگی است که زبانها، دین‌ها، مذاهب و قومیت‌های گوناگون داشته و زبان‌های متنوع در پهنه ایران همیشه بخشی از واقعیات "زندگی روزمره" مردمان این دیار و زیست بوم بوده



است. به هر روی نظر بر این ملاحظات این پژوهش درصدد واکاوی جایگاه زبان فارسی در تکوین هویت ملی ایرانیان از منظر اندیشه روشنفکران وطنی در عصر پهلوی دوم است و به بررسی این مهم می‌پردازد که چگونه جایگاه زبان فارسی در اندیشه روشنفکران عصر پهلوی دوم و در گستره تکوین و یا بازسازی هویت ملی، به عنوان عاملی موثر بوده و نگرش آنان چگونه درصدد بازسازی دیدگاه‌هایی مخالف با هویت سازی زبان فارسی بوده که در عصر مشروطه توسط برخی روشنفکران تجددگرا مطرح شده بود.

### تعریف مفاهیم

#### الف) زبان<sup>۱</sup>

زبان به عنوان یک نظام اجتماعی، مبتنی بر قراردادهاست، قراردادهایی که مدام در تغییرند. ساختمان زبان بر پایه نظام‌هایی درونی، نظیر نظام معنایی، آوایی، واجی و نظام بیرونی شکل یافته، و از قوانین و قواعد معینی تبعیت می‌کند. در حقیقت زبان و قوانین آن نه ازلی است نه ابدی، بلکه وضعی است. این وضع تحت شرایط زیستی، فرهنگ و اقتصاد اقلیمی و خدمات به آن حاصل می‌شود (چاپلی، ۱۳۸۴: ۵۴).

در این که زبان یکی از مولفه‌های اصلی ناسیونالیسم هر ملتی است، نمی‌توان شک کرد؛ ولی سهم آن در همه کشورها یکسان نیست. زبان در کشورهای یک قومیتی می‌تواند مهم‌ترین عامل برای ایجاد اتحاد و ملیت باشد ولی در کشورهای چندقومیتی از میزان اهمیت آن کاسته می‌شود. زبان وسیله ارتباط بین انسان‌هاست و علاوه بر آن وسیله تفکر نیز هست؛ لذا با قدرت انتقال اندیشه‌ها بین انسان‌ها و نسل‌ها، موجب اتحاد و هماهنگی و ارتباط است. از این رو بسیاری از نخبگان، اقوام را به زبان‌هایشان می‌شناسند (خاتمی و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۴).

زبان در اصل گفتار است. هر زبان در شرایط تجربی و تاریخی ویژه‌ای شکل می‌گیرد و در جریان زمان با دگرگونی زندگی و زندگان دگرگون می‌شود. زبان، از آن جا که از آن زندگی است، شرایط تجربی هر زندگی رنگ و روی ویژه خود را به آن می‌بخشد. از این رو، راه بردن به ژرف‌ترین

<sup>۱</sup>. Language

لایه‌های معنایی واژه‌ها و هاله‌های مه‌آلودی که بر گرد آنها کشیده شده است از آنانی برمی‌آید که آن زندگانی و زبان را زیسته‌اند (آشوری، ۱۳۹۷: ۲۱).

همچنین زبان به عنوان نیرویی انسجام دهنده، نقش ویژه‌ای در بستر سازی، تکوین و بالندگی فرهنگی و تحقق هویت قومی و ملی دارد. زبان برای این که قوام بخش و دوام بخش هویت ملی باشد باید گذشته از انصاف به جوهره فرهنگ ساز به صورت استاندارد، پویا و در خور توسعه باشد. زبان استاندارد یا رسمی یک ضرورت برای دوام و پویایی وحدت اجتماعی و ملی است. ارتباط زبان با هویت ملی یک کشور قبل از هر چیز بستگی به ساختار ادبی جامعه و میزان سیالیت و پویای آن در تکوین بستر فرهنگی جامع و مشترک دارد. جامعه‌ای با چنین ساختار فرهنگی در صورت مواجهه با سلطه و تحمیلات خارجی قادر خواهد بود براساس مقتضیات روز با کمک جوهره خلاقه و فرهنگ ساز خود با احیا و بازسازی فرهنگ خویش بپردازد (شاه نقی، ۱۳۷۸: ۲۹).

### ب) هویت<sup>۱</sup>

هویت در معنای لغوی به معنی حقیقت و ماهیت چیزی و یا پاسخ به سوال «چه کسی بودن» و «چگونه بودن» است و در جستجوی این کیستی، هویت یابی نیاز همیشگی آدمی است. کلمه هویت از ریشه (Idem) در زبان لاتین می‌آید. ریشه مورد نظر دو معنی مرتبط و متضاد دارد. از یک طرف به شباهت و از سوی دیگر به تمایز و تفاوت اشاره دارد. از این منظر، هویت نیز سویی‌ای دوگانه می‌یابد. هم بر شباهت تاکید دارد و هم بر تفاوت (جنکیز، ۱۳۸۱: ۵).

هویت به معنای چیستی و کیستی است و از نیاز طبیعی انسان به شناخته شدن در پیوند یا چیزی یا جایی پدید می‌آید؛ نیاز به وابستگی، ریشه‌ای ذاتی یا غریزی در انسان دارد و برآورده شدن این نیاز موجب خود آگاهی فردی او می‌شود؛ به عبارت دیگر هویت شامل «مجموعه‌ای از علائم، آثار مادی، زیستی، اجتماعی، فرهنگی و روانی است که موجب شناسایی فرد از فرد، گروه از گروه یا اهلیتی از اهلیت دیگر (فرهنگی از فرهنگ دیگر) می‌شود» (رضایی خیرآبادی و دیگران،

<sup>۱</sup>. Identity

(۱۳۹۱: ۹۲).

از طرف دیگر هویت خود دارای اشکالی است که می‌توان از هویت فردی، اجتماعی و سیاسی نام برد. بر همین اساس در زمینه هویت فردی «اریک اریکسون»<sup>۱</sup> با نوعی منظر روانشناختی معتقد است هویت بر پایه نوعی «خود تفسیری» استوار است که در آن فرد با ارائه درک و تفسیری خاص از خود، خود را از دیگران متمایز می‌کند. هویت چیزی جز آن چه هر آدمی با آن خویش را از دیگران باز می‌شناسد (اشرف نظری، ۱۳۹۰: ۱۶).

همچنین در زمینه هویت اجتماعی گفته شده به رابطه میان خود و دیگران در متن جامعه اشاره دارد که در پرتو تعامل افراد با یکدیگر، هویت اجتماعی شکل می‌گیرد (اشرف نظری، ۱۳۹۰: ۱۷) و یا در زمینه هویت سیاسی اعتقاد بر آن است که الگوی پیچیده از تقاضاها، خواستها، هنجارها، شیوه تفکر و رفتار است که در طول زمان به واسطه ادغام افراد در شبکه متراکم اجتماع شکل گرفته‌اند و هویت‌های فردی و جمعی نیز در بستر همین روابط متنوع اجتماعی بر ساخته شده‌اند. به تعبیر بهتر، هویت سیاسی نظام عقاید تجربی، نمادهای معنوی و ارزش‌هایی است که شرایط پدید آمدن فعالیت سیاسی را تبیین می‌نماید و به عنوان مقولات و چارچوب‌های پیشینی که سوژه‌های سیاسی به عنوان «تائی» و «پیامد» آن را به وجود می‌آیند و از طریق آن تجارب، ادراک و داوری شان را شکل می‌دهند شناخته می‌شود (اشرف نظری، ۱۳۹۰: ۱۸).

### ج) تجدد<sup>۲</sup>

تجدد یا مدرنیته به عنوان یک الگو (پارادایم) فرهنگی و تمدنی سیال که همه حوزه‌های زندگی فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد، پیچیده‌تر از آن است که بتوان تعریف جامع و مانعی از آن به دست داد. شاید بتوان در کلی‌ترین تعریف گفت که مدرنیته منطق شناسایی و تحول عصر صنعتی در دریافت‌ها و روایت‌های مختلف جهان‌بینانه و ایدئولوژیکی است (قاضی‌مرادی، ۱۳۸۵: ۳۶).

مدرنیته به تعبیر دیگر حاکم شدن عقل به جای نقل یا وحی یا سنت است. این عقل شامل منطق، تجربه و آزمایش است. همچنین آزادی، دموکراسی، جامعه مدنی، قانون‌گرایی، تفکیک

<sup>۱</sup>. Erik Erikson

<sup>۲</sup>. Modernity

قوا، سکولاریسم، محور قراردادن انسان و انسانگرایی به جای خدامحوری، از دیگر ویژگی‌های مدرنیته است. بدین ترتیب و بطور خلاصه، «تجدد عبارت است از باور به کارکرد همه جانبه و ضرورت اندیشه انتقادی و ویران سازی رادیکال آنچه در گوهر خود وابسته است به سنتهای کهنه» (بهرامی کمیل، ۱۳۸۹: ۱۶۹).

گفته می‌شود تجدد طلبی در ایران که خود حاصل واکنش شیفتگی به غرب است، بسیار آرام و معتدل شروع شده است و در مرحله نخست به معنای اصلاح سازمان حکومتی و سیاسی کشور بوده است و ترقی و قانون اهداف آن بوده‌اند. این دوره از اصلاحات عباس میرزا و صدرات امیرکبیر و بالاخره تحولات سپهسالار می‌باشد و تاکنون در خصوص آن مباحث مختلفی مطرح شده است.

#### د) روشنفکر<sup>۲</sup>

روشنفکران یا روشنفکر از مفاهیمی است که در خصوص معنای آن مناقشات بسیاری وجود داشته و کمتر به تعریف جامعی از آن می‌توان دست یافت، برخی از تعاریفی که برای روشنفکری ارائه گردیده است، عبارتند از: نقادی، سنت شکنی و یا نقد سنت‌های موجود، اندیشه ورزی، نو اندیشی، خلق ارزش‌های نوین، تبلیغ دانایی، تشخیص دهنده مصائب و دردهای اجتماعی، سیاسی و .... برخی روشنفکری را محصول اندیشه‌های روشنگری می‌دانند و اگر مولفه‌های روشنگری را جسارت دانستن، استفاده از عقل در قلمرو عمومی و خردگرایی در نظر بگیریم چنین وضعیتی فضای مدرنیته را رقم می‌زند که به معنای درک انتقادی گذشته، برقراری ارتباط آگاهانه با زمان حال و باز تولید دائمی خود می‌باشد.

بر این اساس تعاریف مختلفی از روشنفکر ارائه شده است. روشنفکر در یک جا، نظریه پرداز انقلاب و در جای دیگر، ایدئولوگ طبقه حاکم و نظریه پرداز محافظه کاری است. از این رو، اصطلاح روشنفکر بر آئین شکن، بدعت گذار، آزادی خواه، انقلابی و سکولار، همچنین محافظه کار، همرنگ با جماعت، حامل سنت، هوادار وضع موجود و پاسدار ایمان اطلاق می‌شود (بروجردی، ۱۳۷۷:

<sup>۲</sup>. Intellectual